

آیت‌الله محسنی: طبق قرآن هم شیعه مؤمن است و هم سنی/ وها بیت دشمن جان، مذهب و ناموس ماست



به گزارش حوزه اندیشه [خبرگزاری تقریب](#)، آیت‌الله محمد آصف محسنی از مراجع تقلید شیعه و یکی از رهبران مذهبی و جهادی افغانستان است؛ آیت‌الله محسنی که به نام شیخ آصف محسنی نیز شهرت دارد به زبان‌های فارسی، عربی، اردو و پشتو مسلط است که متن زیر روایت ایشان از تقریب مذاهب است.

در بعد علمی، ما با همه مذاهب اسلامی به استثنای غالیها - البته غلو هم مراتبی دارد، بعضی از مراتب آن باطل است، ولی برخی دیگر به کفر می‌رسد - مشترکاتی داریم، به نظر مشهور علمای شیعه، ناصبی‌ها ولو منتسب به اسلام اند، اما مسلمان نیستند. به قول صاحب عروه و جمعی از محشیان و تعلیقه نویسان بر عروه، مجسمه هم اگر به لوازم اقوال خود ملتزم شوند، مسلمان نیستند؛ ولی اهل سنت با مذاهب اربعه خود، مسلمانند و با ما مشترکاتی دارند و از بعضی احادیث شیعه بر می‌آید که اینها اگر ناصبی نباشند، از باب تفضل به بهشت هم می‌روند.

از این بحث که بگذریم، در علم کلام یک بحثی هست که آیا جاهل قاصر در عقاید معذور است یا نه؟ به مشهور علمای شیعه نسبت داده شده است که متکلمان شیعه و سنی، قائلند که آنها معذور نیستند، چون حجت تمام است؛ کسی که جاهل می‌ماند، معلوم است که مقصر است.

متکلمان اهل سنت که به حسن و قبح عقلی قائل نیستند، می گویند: آنهایی که در عقاید به واقع نرسیدند، چه قاصر باشند و چه مقصر، در روز قیامت همه به دوزخ می روند. عدلیه، از جمله امامیه - که معتقد به حسن و قبح عقلی هستند - منکر صغرا هستند و می گویند: جاهل قاصر نداریم، زیرا حجت بر همه تمام شده است و در این باره به بعضی از آیات استدلال می کنند که یک بحث جنجالی است و تفصیل آن را در اول صراط الحق نوشته ام. واقع آن است که چه از نظر قرآن و عقل و چه از نظر حس، امروزه اکثریت کفار، چه رسد به اکثریت مذاهب اسلامی، قاصر هستند و حجت بر آنان تمام نشده است.

مسأله نبوت، خصوصا مسأله ختم نبوت، بحث نظری است. به کسانی «مقصر» گفته می شود که عمر خود را در آن رشته طی کرده اند، بقیه مردم همه اهل تقلید هستند. من اعتقاد دارم که اگر - نعوذ بالله - مذهب شیعه در روز قیامت خلاق واقع باشد، اکثر ما حوزوی ها قاصر هستیم، چه رسد به مردم عوام. چون مسایل پیچیده شده است، روز به روز هم پیچیده تر می شود، کسی نمی تواند حکم کند که مخالف نظر من کافر شده، یا در روز قیامت مستحق خلود در جهنم است. بنابراین هر کس اصول ثلاثة اسلام، توحید، نبوت و معاد را قبول کند - و ضمنا از تمه نبوت این است که ضروریات اسلام را انکار نکند - مسلمان است و احکام اسلامی بر او جاری می شود و مال و جانش محترم است.

از این نکته بگذریم؛ مسأله دیگر این است که شیعه در اقلیت است. ما می خواهیم به اسلام خدمت کنیم و نمی توانیم بدون سنی ها این کار را بکنیم. وهابیت دشمن جان و مذهب و ناموس ماست. در پاکستان، بوسنی و جاهای دیگر و در عراق امروزی، ما می بینیم که وهابیت با شیعه چه کار می کند. ما یک کمر بند امنیتی می خواهیم و این در صورتی درست می شود که با برادران اهل سنت همکاری داشته باشیم. بنابراین لازم است که برای حفظ خودمان، و برای صمیمیت و عدم سستی و فشل «ولا تنازعوا فتفشلوا» (انفال، آیه ۴۶) که با اهل سنت همکاری داشته باشیم. پس معنای وحدت اسلامی در بعد نظری، همکاری کردن در مشترکات دینی است که زیاد هم هستند.

در بعد عملی، توهین نکردن به مذهب دیگری، نشکستن غرور طرف و بدگویی نکردن به رهبران مذهبی آنها مهم است. چه می شود اگر در سخنرانی نام یکی از صحابه را که می گوئیم، بعد بگوئیم رضی الله تعالی عنه. هزار نفر در سخنرانی ما خوشحال می شوند، حسن نظر پیدا می کنند. چه داعی داریم که به کنایه سخن بگوئیم. در طول تاریخ از این توهین ها، نه یک شیعه سنی شد و نه یک سنی شیعه شد، ولی با اخلاق، با مجادله احسن و با ادب، خیلی ها ممکن است به واقع برسند.

در بعد عملی باید با اینها رفت و آمد داشته باشیم. هم مذاکرات اجتماعی و هم مفاهات علمی داشته باشیم و این کار خوبی است؛ البته ممکن است نتایجش زودرس نباشد؛ ولی در دراز مدت حتما ثمراتی خواهد داشت. ما در افغانستان فواید زیادی از این قضیه بردیم و امروز در آن افغانستانی که کسی احتمالش را نمی داد، مذهب جعفری رسمی شده است. در آن جلسه عمومی که قانون اساسی را تدوین می کردند و بعد تصویب شد - داستانش مفصل است - پنجاه نفر شیعه بودند و چهارصد و پنجاه نفر سنی، حتی

یک سنی هم درباره رسمیت فقه شیعه مخالفت نکرد. و به زودی فتاوی شیعه در فقه و عقاید، در کتاب های درسی چاپ می شود. جمعیت ما شیعیان در افغانستان بیست درصد است. از ایران که بگذریم، حتی در بحرین و عراق و لبنان که اکثریت با شیعه است، در کتاب های درسی مدارس دولتی عقاید شیعه و فقه شیعه ثبت نیست؛ ولی در قانون اساسی افغانستان تصویب شد که باید آنها در نصاب درسی بیاید و بچه های سنی هم عقاید شیعه را بخوانند، و بچه های ما هم عقاید اهل سنت را بخوانند.

وحدت بین مذاهب اسلامی در قرآن

یک آیه ای در قرآن هست که می گوید: «ولاتنزعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم». یک چیز مجرب هم هست، قطع نظر از این که این کلام خدا است، تجربه حسی بشری هم به این شهادت می دهد. همان آیات معروفی که خوانده می شود: «واعتصموا بحبل الله جميعا». از اینها که بگذریم خطاب های «یا ایها الذین آمنوا...» که مخصوص به شیعه نیست، ممکن است که ایمان در لسان ائمه(ع) به معنای خاصی باشد، یا گاهی هم عارف یا مؤمن خاص مقصود است، اما در قرآن «یا ایها الذین آمنوا...» به همه مسلمانان خطاب شده است و ایمان به خدا و پیامبر(ص) مورد نظر است. این آیاتی که به مؤمنین خطاب می کند و در قرآن زیاد هم هست، همه مذاهب اسلامی را شامل می شود. بنابراین آنها هم مؤمن هستند، ما هم مؤمن هستیم. ممکن است ایمان مراتبی داشته باشد، ممکن است شرایط دیگری هم داشته باشد. در فقه نسبت به استنباط از احادیث اختلاف هست.

اکنون باید توجه کنیم که آیا ولایت شرط صحت عمل است یا شرط قبولی است؟ یک عده می گویند: شرط صحت عمل است. یکی از اشخاصی که می گفت: شرط قبولی عمل است، مرحوم آیت الله بروجردی به بود. همین روزه ای که ما شیعه ها می گیریم، آنها هم می گیرند. همان چیزهایی را که ما امساک می کنیم، آنها هم امساک می کنند، وقتی که شام و مغرب شد، آنها افطار می کنند، ما هم افطار می کنیم. آیا روزه او صحیح است یا باطل؟ هیچ دلیل قوی ای تاکنون پیدا نشده است برای این که عمل مخالفان مذهب ما باطل باشد. بنابراین به مجرد این که اینها فاقد ولایت هستند، عملشان باطل نیست و در این خصوص، دلیلی در فقه وجود ندارد. بلکه از بعضی تعلیلاتی که درباره عدم اعاده اعمال مستبصر آمده، استفاده می شود که عمل آنان صحیح است. در این خصوص به جامع الاحادیث مراجعه شود.

منبع: تقریب مذاهب از نظر تا عمل، ص 64-61